

1719

د

ص ۴
کتابخانه
مخطوطات

www.ketab.ir

پزل اس باک
سوسن اردکانی

خاک خوب

سرشناسه: باک، پرل سایدن استریکر، ۱۸۹۲ - ۱۹۷۳ م. Buck, Pearl S. (Pearl Sydenstricker
عنوان و نام پدیدآور: خاک خوب / پرل اس باک؛ [ترجمه] سوسن اردکانی.
مشخصات نشر: قم: نظاره، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۵۷۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The good earth

یادداشت: کتاب حاضر با عنوان "زمین خوب" نیز منتشر شده است.

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: American fiction -- 20th century

شناسه افزوده: اردکانی، سوسن، ۱۳۲۶ - مترجم

رده بندی کنگره: PS۳۵۰۵ / الف ۱۳۹۷ رده بندی دیویی: ۲۵۴/۸۱۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۱۹۹۹



📖 عنوان: خاک خوب

✍ نویسنده: پرل اس باک

📖 مترجم: سوسن اردکانی

🏢 ناشر: نظاره

📅 ثبت چاپ: بهار ۱۳۹۸

❖ قطع و تعداد صفحات: رقعی ۵۷۶ صفحه

👉 تیراژ: ۵۰۰ نسخه

📖 چاپخانه: احسان

☑ شابک: ۹۷۸-۶۲۱-۶۲۸۳-۱۷-۵



📞 سامانه پیامکی: ۰۵۴۷۰۷۷۳۳۳۳۳۸

📧 آماده شنیدن انتقادات و پیشنهاد های خوبتان هستیم

@SOLS_BOOK



@SOLS_BOOK



۰۲۵۳۶۱۰۹



۰۹۳۷۲۲۲۲۵۴۵
۰۹۳۷۲۲۲۲۵۶۹



♦ دفتر مرکزی: قم: بلوار شهید خدایکرم کوچه ۲، پلاک ۱۴

♦ فروشگاه قم: خیابان معلم مجتمع ناشران طبقه همکف، پلاک ۲۰ / تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۳۳۳۸

♦ فروشگاه تهران: میدان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، خیابان شهدای زاندارم

روبروی اداره پست، پلاک ۱۲۰



معاون بخش و نشر کتاب و کتابخانه

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۲۳.....	فصل ۱
۶۲.....	فصل ۲
۷۴.....	فصل ۳
۸۵.....	فصل ۴
۹۵.....	فصل ۵
۱۰۷.....	فصل ۶
۱۱۴.....	فصل ۷
۱۲۷.....	فصل ۸
۱۴۱.....	فصل ۹
۱۵۹.....	فصل ۱۰
۱۶۵.....	فصل ۱۱
۱۸۵.....	فصل ۱۲
۱۹۷.....	فصل ۱۳
۲۰۹.....	فصل ۱۴

۲۳۸.....	فصل ۱۵
۲۴۷.....	فصل ۱۶
۲۶۸.....	فصل ۱۷
۲۸۱.....	فصل ۱۸
۲۹۸.....	فصل ۱۹
۳۱۶.....	فصل ۲۰
۳۳۶.....	فصل ۲۱
۳۵۵.....	فصل ۲۲
۳۶۸.....	فصل ۲۳
۳۹۱.....	فصل ۲۴
۴۰۷.....	فصل ۲۵
۴۲۱.....	فصل ۲۶
۴۴۶.....	فصل ۲۷
۴۶۲.....	فصل ۲۸
۴۸۱.....	فصل ۲۹
۵۰۰.....	فصل ۳۰
۵۲۰.....	فصل ۳۱
۵۳۷.....	فصل ۳۲
۵۵.....	فصل ۳۳
۵۶۲.....	فصل ۳۴

پیشگفتار

«پرل سیدنستریکر باک»^۱ نویسنده آمریکایی در ۲۶ ژوئن ۱۸۹۲ در «هیلزبورو»^۲ در «ویرجینیای غربی»^۳ به دنیا آمد. مادرش «کارولین استالتینگ»^۴ و پدرش «ابسالوم سیدنستریکر»^۵ هر دو مبلغ مذهبی و عضو کلیسای «پرزبیتاری»^۶ بودند، که پس از ازدواجشان در ژوئیه ۱۸۸۰ به چین سفر کردند. ولی برای تولد «پرل» به آمریکا برگشتند و «پرل» سه ماهه بود که دوباره این خانواده به چین رفت و ابتدا در «شن جیانگ»^۷ اقامت گزید.

«پرل» در محیطی دو زبانه بزرگ شد. مادرش به او انگلیسی یاد داد

1- Pearl Sydenstricker Buck (1973-1892)

2- Hillsboro

3- West Virginia

4- Caroline Stulting

5- Absalom Sydenstricker

6- Presbyterian

7- Zhenjiang

می‌داد و آقایی به نام «کونگ»^۱ زبان سنتی و اصیل چینی را به او می‌آموخت. اسم چینی «پرل» «سای شن شو»^۲ بود.

«پرل» در سال ۱۹۱۱ برای ورود به دانشکده‌ی دخترانه‌ی «راندولف می‌کون» در «لینچ‌برگ» «ویرجینیا» چین را ترک کرد و به آمریکا رفت و از سال ۱۹۱۴ به چین بازگشت، تا ۱۹۳۳ به عنوان مبلغ مذهبی کلیسای «پرزبیتاری» خدمت کرد. ولی بعد دیدگاه‌هایش در مناظرات بین بنیادگران و نوگرایان بحث‌برانگیز شد و عاقبت کار را به استعفای او کشاند.

«پرل» در سال ۱۹۱۲ با «جان لاسینگ باک» متخصص اقتصاد کشاورزی ازدواج کرد. زن و شوهر به «سوشو» در استان «آن هویی» نقل مکان کردند و همین‌جاست که بعداً «پرل» آن را در کتاب‌های «خاک خوب» و «پسران» توصیف کرد.

«پرل باک» در سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳ در «نان کینگ» (نان جینگ) در پردیس دانشگاه «نان جینگ» که هر دوی آنان در آن تدریس می‌کردند، اقامت گزید. «پرل باک» در دانشگاه «نان کینگ» و «دانشگاه ملی مرکزی» (که در سال ۱۹۴۹ اسمش را «دانشگاه نان جینگ» گذاشتند، ادبیات انگلیسی درس می‌داد.

در سال ۱۹۲۴ به خاطر مرخصی یک ساله‌ای که دانشگاه به «جان باک» داد (هر هفت سال یک بار این مرخصی را به استادان دانشگاه می‌دهند) خانواده‌ی «باک» چین را ترک کرد و به آمریکا رفت و «پرل باک» در آن یک سال به تحصیل خود در دانشگاه «کرنل»^۳ ادامه داد

1- Kung

2- Sai Zhenzhu

3- Cornell

دو مدرک فوق لیسانس خود را گرفت.

در سال ۱۹۵۲ پسری به نام «جانیس»^۱ را به فرزندى گرفتند (بعداً اسمش را «والش»^۲ گذاشتند) و در پاییز ۱۹۲۵ به چین برگشتند. مصیبت‌ها و تغییر مکان‌های «پرل باک» در دهه‌ی ۱۹۲۰ در سال ۱۹۲۷ با واقعه‌ی «نان گینگ» به اوج خود رسید. در درگیری بین عناصر نیروهای ملی گرای «چیانگ کای شک»^۳، کمونیست‌ها، و فرمانروایانى که گروه‌های مختلفی تشکیل داده بودند. تعداد زیادی از غربیان ساکن چیر کشته شدند. چون پدر «پرل» مبلغ مذهبی بود، خانواده تصمیم گرفت در «نان جینگ» بماند. تا این که دامنه‌ی جنگ به این شهر رسید. وقتی خشونت بالا گرفت، خانه‌ی «باک»‌ها غارت شد و یک خانواده‌ی فقیر چینی آنان را در کلبه‌ی خود پناه داد. خانواده یک روز را با وحشت در مخفیگاه گذراند، تا این که ناوچه‌های توپدار آمریکایی نجاتشان دادند. آنان به «شانگهای» سفر کردند. آن‌گاه با کشتی به ژاپن رفتند و یک سال آن‌جا ماندند. بعداً به «نان جینگ» برگشتند، در حالی که اوضاع و احوال همچنان ناپایدار و خطرناک بود. «باک»‌ها در سال ۱۹۳۴ چین را برای همیشه ترک کردند.

تا این زمان کتاب‌های «باد غرب: باد شرق» (۱۹۳۰)، «خاک خوب» (۱۹۳۱) «پسران»، «مادر»، «همسر اول و قصه‌های دیگر» (۱۹۳۳) از «پرل باک» منتشر شده بود.

Janice - ۱

Walsh - ۲

۳- Chiang Kai Shek: (۱۸۸۶-۱۹۷۵م) سردار و از مبارزین چین در جنگ داخلی که به دنبال جنگ جهانی دوم روی داد. در جنگ با کمونیست‌ها شکست خورد و از چین گریخت و چین ملی را تشکیل داد.

«خاک خوب» در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ پرفروش‌ترین رمان در آمریکا بود و در سال ۱۹۳۲ جایزه‌ی «پولیتزر»^۱ را برد. در سال ۱۹۳۲ نمایشنامه‌ای از روی آن توسط پدر و پسری نمایشنامه نویس به نام‌های «اُون» و «دونالد دیویس» تهیه شد که در «تیاتر گیلد» روی صحنه آمد. اما منتقدان استقبال چندانی از آن نکردند و فقط ۵۶ شب روی صحنه بود. در هر حال فیلم «خاک خوب» که در سال ۱۹۳۷ بر مبنای همان نمایشنامه تهیه

شد، موفق‌تر بود. «پِرل پرل» در سال ۱۹۳۵ از شوهرش «جان لاسینگ باک» جدا شد. شوهر دوم «پرل» «ریچارد والش» رئیس مؤسسه‌ی «جان دی» و ناشر آثارش بود. «والش» با راهنمایی‌های مهرآمیزش به «پرل» به قول نویسنده‌ی زندگینامه‌ی «پرل»: «کمک کرد تا امکان فعالیت شکفت‌انگیز پرل فراهم شود». این زن و شوهر تا زمان درگذشت «ریچارد والش» (۱۹۶۰) در «پنسیلوانیا» اقامت داشتند.

«پرل باک» در سال ۱۹۳۶ زندگینامه‌ی مادرش را به عنوان «تبعید» و زندگینامه‌ی پدرش را با عنوان «فروخته مبارز» منتشر کرد. کتاب بعدی‌اش «این دل مغرور» نام داشت (۱۹۳۸). در سال ۱۹۳۸ جایزه ادبی «نوبل» به خاطر «توصیف پرشکوه ارزشمند و راستین او از زندگی روستاییان چین و به خاطر شاهکارهایش در نگارش زندگینامه‌ها، اهدا شد. «پرل بارک» نخستین زن آمریکایی بود که جایزه ادبی «نوبل» را دریافت کرد.

در مراسم اهدای جایزه نول به «پرل باک» «برتیل لیندربلاد» مدیر رصد خانه «استکهلم» در «سالتس یوبادن» خطاب به «پرل باک» اظهار داشت: «خانم پرل باک، شما با آثار ادبی خود که از بالاترین کیفیت هنری برخوردارند، به دنیای غرب در تفاهم و تقدیر از بخشی بزرگ و مهم از بشریت کمک کردید: مردم چین. شما با آثاران به ما یاد دادید در آن انبوه جمعیت، اشخاص را به صورت تک تک ببینیم. شما ظهور و سقوط خانواده‌ها را به ما نشان دادید و زمین را به عنوان بایه‌ای که خانواده‌ها روی آن تشکیل می‌شوند. شما به ما یاد دادید که اندیشه‌ها و احساساتی را ببینیم که ما را به عنوان موجودات بشری بر روی این خاک به هم می‌پیوندند و شما به غربی‌ها بخشی از روح چین را نمایانید.

از یک طرف، وقتی با پیشرفت اطلاعات تکنیکی مردم دنیا به هم نزدیک‌تر می‌شوند، سطح زمین چین می‌خورد، طوری که غرب و شرق را دیگر آن فاصله‌ها و فضاها ی خالی تقریباً چیرگی ناپذیر از هم جدا نمی‌کند. از طرف دیگر طبعاً یکی از آثار این پدیده، برخورد خصوصیان ملی و جاه طلبی هاست که می‌تواند گسستگی خطرناکی بین انسان‌ها به وجود آورد. در این بین، آن چه خیلی اهمیت دارد، اینست که ساکنان کره زمین یاد بگیرند از این سرتا آن سرتاها و مرزها یکدیگر را به عنوان افرادی تک‌تک بشناسند. هنگامی که آثار ادبی موفق می‌شوند چنین تأثیری بر مخاطبان بگذارند، مطمئناً در راهی بسیار مستقیم به سوی کمال دقیقاً به همان معنایی که این کلمه برای «آلفرد نوبل»^۱ داشت، قرار دارند.»

«پِرل باک» در این مراسم اظهار داشت:

«من نمی‌توانم تمام حس قدرشناسی‌ام را به‌خاطر آن چه گفته شد و آن چه به من اهدا شد، با کلمات بیان کنم. من شخصاً این جایزه را با این اعتقاد می‌پذیرم که خیلی فراتر از آن چه توانسته‌ام در کتاب‌هایم ارائه دهم، دریافت کرده‌ام. فقط می‌توانم امیدوار باشم که از طریق کتاب‌های فراوانی که هنوز باید بنویسم، قدرشناسی‌ام را به طرز زنده‌تری از آن چه امشب می‌توانم، نشان دهم و در واقع تنها می‌توانم آن را با همان نیتی بپذیرم که فکر می‌کنم این عطیه در اصل با آن نیت به من اعطا شد: این فکر که این جایزه آن قدرها که به کتاب‌های آتی تعلق دارد، مال آن چه تاکنون انجام شده، نیست. فکر می‌کنم هر چه در آینده می‌نویسم، باید با به یاد آوردن این روز، پیوسته قوی‌تر و سودمندتر شود.

و نیز من این جایزه را از طرف کشور آمریکا می‌پذیرم. ما ملتی هنوز جوان هستیم و می‌دانیم که هنوز به محدوده توانایی‌هایمان نرسیده‌ایم. این جایزه که به یک آمریکایی داده می‌شود، نه فقط یک نویسنده، بلکه تمام پیکره نویسندگان آمریکایی را که با چنین قدرشناسی سخاوتمندانه‌ای تشویق و دلگرم می‌شوند، تقویت می‌کند.

مایلم این را هم بیفزایم که در کشور من مهم است که این جایزه به این زن اهدا شده. شما که قبلاً از «سلمالا گِرولف»^۱ خودتان چنین تقدیری کرده‌اید و مدت‌های مدید است که زنان را در زمینه‌های دیگر به رسمیت شناخته‌اید، شاید برایتان کاملاً قابل درک نباشد که

۱-Selma Lagerlof: (۱۸۵۸-۱۹۴۰م)، سوئدی برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۰۹

در بسیاری از کشورها این چه مفهومی دارد که آن کسی که در این لحظه در این جا می ایستد، یک زن است. ولی من نه فقط از طرف نویسندگان و از طرف زنان، بلکه از طرف همه ی آمریکاییان این جایزه را می پذیرم. چون همه ی ما سهمی در این جایزه داریم.

من واقعاً خودم نخواهم بود اگر با این شیوه ی کاملاً غیر رسمی خود در این جا حرفی از مردم نزنم، که زندگی شان سال های سال زندگی من هم بود، و زندگی شان در واقع باید همیشه بخشی از زندگی من باشد. روحیه ی مردم کشور خودم آمریکا و مردم چین که کشوری است که در آن بزرگ شدم، از بسیاری از جهات شبیه هم است، ولی از همه برتر و بالاتر از لحاظ عشق مشترکمان به آزادی است و امروز بیش از همیشه این حقیقت بارز است؛ حالا که با تمام وجود درگیر بزرگترین نبرد هست: نبرد برای آزادی.

من هرگز چین را بیش از اکنون که چنین متحد می بینمش، تحسین نکرده ام چین حالا در مقابل دشمنی که آزادی اش را تهدید می کند، چنان متحد شده که مرکز این طور متحد نشده بود و می دانم که با این تصمیم سرسختانه برای آزادی و حسی چنین قوی و صفتی چنین حیاتی در ذاتش، تسخیر پذیر است. آزادی امروزه بیش از همیشه گرانبهاترین دارایی انسان است، ما- سوئدی ها و آمریکایی ها- در حال حاضر آن را داریم. کشور من جوان است. ولی با صمیمیتی ویژه به شما که خاکتان باستانی و آزاد است، سلام می گویم و ادای احترام می کنم.

«پرل باک» بعد از دریافت جایزه ی «نوبل» به تعهد قلبی خود بیش از پیش عمل کرد و ده ها کتاب ماندگار نوشت.

«پرل باک» در مورد یک سلسله از مسائل اجتماعی هم که عمدتاً از سوی نسل او مورد غفلت قرار می‌گرفت، احساس تعهد عمیقی داشت و با شور و شوق به آن‌ها می‌پرداخت. بسیاری از تجربه‌های زندگی‌اش و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی‌اش در رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، قصه‌های تخیلی، قصه‌های کودکان و زندگینامه‌هایی که نوشته، تشریح شده. از جمله‌ی موضوعاتی که «پرل باک» در آثار خود به آن‌ها پرداخته، می‌توان به: حقوق زنان، فرهنگ‌های آسیایی، مهاجرت، فرزند خواندگی، تبلیغات مذهبی و جنگ اشاره کرد. «پرل باک» در طول زندگیش چندین نقش را به هم آمیخت. همسر، مادر، نویسنده، ویراستار، فعال سیاسی و اجتماعی.

«پرل باک» مدت‌های طولانی قبل از این که انجام چنین کارهایی رایج شود و یا از نظر سیاسی بی‌خطر باشد، جامعه‌ی آمریکایی را در زمینه‌ی مسائلی مانند نژادپرستی و تبعیض جنسی و بی‌اعتنایی به حقوق کودکان به مبارزه طلبید و به ویژه توجه خود را بر بدبختی هزاران کودک متمرکز کرد که در هر جا که پایگاه سربازان آمریکایی در آسیا بود، از زبان آسیایی به دنیا آمدند و بعد کسی آنان را نخواست و به حال خود رها شدند.

«پرل باک» چون دید مؤسساتی که به خدمات فرزند خواندگی می‌پرداختند، حاضر نبودند کودکان آسیایی و نیز کودکانی را که پدر و مادرشان از دو نژاد بودند، تحت پوشش خدمات خود قرار دهند، در سال ۱۹۴۹ مؤسسه‌ی «خوش آمد سرا»^۱ را تأسیس کرد که نخستین

مؤسسه‌ی بین‌المللی و بین‌نژادی در زمینه‌ی فرزند خواندگی بود. «خوش آمد سرا» در طی پنج دهه کار بیش از پنج هزار کودک را سرو سامان داد.

در سال ۱۹۶۴ «پرل بارک» باری حمایت از کودکانی که کسی آنان را به فرزند نمی‌گرفت، «بنیاد پرس س. باک» را به منظور: «رسیدگی به کودکانی که در کشورهای آسیایی با فقر و تبعیض روبه‌رو می‌شوند» تأسیس کرد.

«پرل بارک» در سال ۱۹۶۵ «مرکز فرصت و پرورشگاه»^۱ را در کره‌ی جنوبی افتتاح کرد که بعد دفاتری در تایلند، فیلیپین و ویتنام زد. «پرل» در هنگام تأسیس «خانه‌ی فرصت» گفت: «هدف، شناساندن و از بین بردن بی‌عدالتی و تعصباتی است که کودکان گرفتارشان هستند، چون به خاطر اوضاع و احوالی که در آن متولد شده‌اند، اجازه‌ی بهره‌مندی از تعلیم و تربیت و امتیازات اجتماعی اقتصادی و مدنی را که معمولاً به کودکان اعطا می‌شود، به آنان نمی‌دهند.»

«پرل بارک» در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ سفرهایی به نقاط مختلف «ویرجینیای غربی» کرد تا برای نگهداری مزرعه‌ی خانوادگی‌اش در «هیلزبورو» «ویرجینیای غربی» پول جمع کند، با این امید که در آن خانه «جایی برای هر کسی که دلش بخواهد به آنجا برود» باشد و این خانه نقش «دروازه‌ای به سوی اندیشه‌ها و رؤیا و شیوه‌های تازه‌ای از زندگی» را داشته باشد. امروزه زادگاه «پرل بارک» یک موزه‌ی تاریخی و مرکز فرهنگی است.

«پرل بارک» در مقام یک نویسنده‌ی آمریکایی که درباره‌ی روستاییان چین می‌نوشت، در طی انقلاب فرهنگی چین به عنوان «یک امپریالیست فرهنگی آمریکایی» محکوم شد و هنگامی که «ریچارد نیکسون» در سال ۱۹۷۲ به چین سفر کرد، همسر «مائو» و مقامات بلند پایه چینی به «پرل بارک» اجازه همراهی با او و ورود به خاک چین را ندادند. از این برخورد دل «پرل بارک» شکست.

«پرل بارک» در ششم مارس ۱۹۷۳ در «دانبی» در «ورمونت» بر اثر سرطان ریه درگذشت و در «گرین هیلز فارم» در «پرکاسی» در «پنسیلوانیا» به خاک سپرده شد.

خودش طرح سنگ قبرش را داده بود و اسم «پرل سید نستریکر» را به حروف چینی روی آن حک کردند.

اداره پست ایالات متحده‌ی آمریکا به افتخار «پرل بارک» یک تمبر پنج سنتی در «سری تمبرهای پستی اشخاص بزرگ آمریکایی» چاپ کرد.

در سال ۱۹۹۹ در «پروژه‌ی ملی تاریخ زنان» از «پرل بارک» با عنوان «افتخار ماه تاریخ زنان» تجلیل شد.

اقامتگاه پیشین «پرل بارک» در دانشگاه «نان جینگ» حالا ساختمان گروه صنعت علم و تکنولوژی دانشگاه «نان جینگ» در امتداد دیوار غربی پردیس شمالی دانشگاه است.

سایر بناهای تاریخی و موزه‌های «پرل بارک» در نقاط زیر هستند:

- «زادگاه پرل س. باک» در «هیلزبورو» در «ویرجینیای غربی»

- «گرین هیلز فارم» در منطقه‌ی «باک» ها در «پنسیلوانیا»
 - «انجمن پژوهشی پرل س. باک» در «شن جیانگ» در چین
 - «ویلاي تابستانی پرل س. باک» در کوه «لوشان» در استان
 «جیانگزی» در چین.

- «نالار یادبود پرل س. باک» در شهر «باچون» در کره‌ی جنوبی
 «خاک خوب» که از جمله محبوب‌ترین و مشهورترین آثار
 «پرل بارک» است و تأثیر عمیق و شگرفی بر خوانندگان خود در
 همه‌ی زمان‌ها گذاشته است، در سال ۲۰۰۴ میلادی هنگامی
 که «اُپراوینفردی» آن را برای «باشگاه کتاب اُپرا» انتخاب کرد،
 دوباره به فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌ها برگشت.

درباره‌ی «پرل بارک» و «خاک خوب» کتاب‌های متعددی
 نوشته شده. از جمله «هیلا ری اسپارلینگ» در کتابش به نام
 «پرل باک در چین: سفر به خاک خوب» از «خاک خوب» در
 مقابل این اتهام که «صرفاً مجموعه‌ای از گفتارها و رفتارهای
 قالبی» است، دفاع می‌کند و با تأکید بر این که «پرل بارک» دختر
 دو مبلغ مذهبی بود، اظهار می‌دارد که «پرل بارک» در زندگی
 مردم فقیر چین عمیق می‌شود و به تعصبات نژادی و خشونت
 جنسی و سرکوب جنسی و تبعیض در مورد معلولین اعتراض
 می‌کند.

«پیتراکان» که زندگینامه‌ی «پرل بارک» را نوشته در کتاب خود
 این بحث را مطرح کرده که: با وجود جایزه‌هایی که به او داده
 شده، سهم «پرل بارک» در ادبیات آمریکا اغلب توسط دروازه
 بانان فرهنگ آمریکا عمداً ندیده گرفته شده و یا فراموش شده.

«کانک لیائو» درباره‌ی «پرل بارک» اظهار داشته که «پرل بارک» در اسطوره‌زدایی از چین و مردم چین در ذهن مردم آمریکا نقش یک پیشگام را ایفا کرده.

«فیلیس بنتلی» در نقدی بر آثار «باک» تحت تأثیر هنر وی قرار گرفته و نوشته: «دست کم می‌توانیم بگوییم که به‌خاطر جالب بودن موضوع آثار خانم باک، سطح بالای مهارت تکنیکی‌اش که همواره حفظ شده و گستردگی مداوم مفاهین خلاقه‌اش شایسته است که از پرل باک به‌عنوان یک هنرمند برجسته نام برده شود.»

«آن جی مین» که زندگی «پرل بارک» را در قالب یک داستان نوشته است، درباره‌ی رمز موفقیت «خاک خوب» می‌نویسد: «زیرا او با چنان انسان‌دوستی و عشق و محبتی تصویری از زندگی روستاییان چینی ارائه می‌دهد.»

«خاک خوب» را نخستین کتاب از سه گانه‌ای بر شمرده‌اند که دو تای دیگر آن «پسران» و «یک خانه‌ی تقسیم شده» است. این کتاب آمریکاییان را با زندگی واقعی مردم چین آشنا کرد و در جنگی که در دهه ۱۹۳۰ چین و ژاپن در گرفت، احساسی از همدردی و محبت نسبت به مردم چین در دل مردم آمریکا پدید آورد.

فهرستی از آثار «پرل بارک» به قرار زیر است:

- یاد شرق: باد غرب (۱۹۳۰)
- خاک خوب (۱۹۳۱)
- همسر اول و قصه های دیگر (۱۹۳۳)
- پسران (۱۹۳۳)
- مادر (۱۹۳۳)
- خانه ی خاک (۱۹۳۵)
- تبعید (زندگانه های مادرش، ۱۹۳۶)
- فرشته ی مبارز (زندگانه های پدرش، ۱۹۳۶)
- این دل مغرور (۱۹۳۸)
- تصویر (۱۹۳۹)
- از مردان و زنان (غیر تخیلی، ۱۹۴۱)
- امروز و تا ابد: قصه هایی از چین (۱۹۴۱)
- آسمان چین (۱۹۴۱)
- نسل ازدها (۱۹۴۲)
- پیمان (۱۹۴۳)
- پرواز چین (۱۹۴۳)
- بیست و هفت قصه (۱۹۴۳)
- مرد شهری (۱۹۴۵)
- تصویری از یک ازدواج (۱۹۴۵)
- غرفه ی زنان (۱۹۴۶)
- چه طور اتفاق می افتد: گفتگو درباره ی مردم آلمان ۱۹۱۴-۱۹۳۳ با «ارنست پوستانو» (غیر تخیلی، ۱۹۴۷)

- همسر خشمگین (۱۹۴۷)
- پیونی (گل صد تومانی) (۱۹۴۸)
- موج بزرگ (۱۹۴۸)
- دور و نزدیک: داستان‌هایی از ژاپن، چین و آمریکا (۱۹۴۹)
- کودکی که هرگز رشد نکرد (غیر تخیلی، ۱۹۵۰)
- مردان خدا (۱۹۵۱)
- گل پنهان (۱۹۵۲)
- صداهایی در خانه (۱۹۵۳)
- مردی که چین را تغییر داد: حکایت «سون یات سن» (غیر تخیلی، برای جوانان، ۱۹۵۳)
- چندین دنیای من (سرگذشت خودش، ۱۹۵۴)
- زن امپراتور (۱۹۵۶)
- نامه‌ای از پکن (۱۹۵۶)
- چهارده قصه (۱۹۶۱)
- دل‌ها به خانه می‌آیند و قصه‌های دیگر (۱۹۶۲)
- پلی برای عبور (زندگینامه‌ی خودش، ۱۹۶۳)
- قصه‌هایی از چین (۱۹۶۴)
- فرار در نیمه شب و قصه‌های دیگر (۱۹۶۴)
- مرگ در قصر (۱۹۶۵)
- وقت ظهر است (۱۹۶۶)
- برای آسمان‌های وسیع (غیر تخیلی، ۱۹۶۶)
- ماتئو، مارک، لوک و جان (۱۹۶۷)
- سال نو (۱۹۶۸)

- سه دختر مادام «لیانگ» (۱۹۶۹)
- کار خوب و قصه‌های دیگر آسیا، گذشته و حال (۱۹۶۹)
- زنان خانواده‌ی «کِنْدی» (غیر تخیلی، ۱۹۷۰)
- ماندالا (۱۹۷۰)
- قصه‌های انجیل (غیر تخیلی، ۱۹۷۰)
- کتاب آشپزی شرقی پزل س. باک (۱۹۷۲)
- یک بار در یک کریسمس (۱۹۷۲)
- همه در زیر آسمان (۱۹۷۳)
- رنگین کمان (۱۹۷۴)
- قصه‌های شرق و غرب (۱۹۷۵)
- رازهای دل: قصه‌ها (۱۹۷۶)
- خانم «استونز» و دریا و قصه‌های دیگر (۱۹۷۸)
- زنی که عوض شد و قصه‌های دیگر (۱۹۷۹)
- صبح روز کریسمس
- پناهنده
- بچه‌های چینی همسایه (برای کودکان)
- دشمن
- زرین

این کتاب سرگذشت مردمی پراحساس و تهیدست است. آنان
 که فقر و ثروت برایشان یکی است.
 سزاوارتر آن که این مردم حکایت خودشان را بخوانند و اگر با
 رنج‌های قهرمانان آن وجه تشابهی یافتند، به خاطر آنان یا به خاطر
 خودشان قطره اشکی فرو ریزند!

«پرسل س. باک»

www.ketab.ir